دوشنبه 23/7/1403-10 ربیع الثانی 1446 – 14اکتبر 2024- درس 22 فقه القیاده (فقه رهبری سازمانی ) – ارکان قیادت – رکن دوم هدایت – موانع هدایت – تکلیف رفع مانع -

مساله 13: فتحصل : رفع موانع هدایت از باب اتمام حجت یک تکلیف است که مکمل وظیفه رهبری سازمانی رفتاری است .

***شرح مساله***:معلوم شد که علم هدایتگر مدیران که واسط هدایت ربوبی به کارکنان است با موانعی روبروست که در جنس کوردلی مشترکند زیرا قرآن عدم هدایت را به عمیان نسبت میدهد[[1]](#footnote-1) آنهم کوری دل و حال سوال این است که رفع این مانع به عهده کیست ؟ آیا به عهده مدیر قائد هادی یا فرد مهتدی دارای مانع یا هردو ؟ در پاسخ باید گفت که آنچه از قرآن استظهار میشود مثل " أَ فَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَ لَوْ كانُوا لا يُبْصِرُونَ" یا " انک لاتهدی من احببت " یا ..... که ظهور در عدم امکان تکوینی یا تشریعی دارد نمیتوانی یعنی امکان ندارد نفی تشریعی یعنی اینکه مکلف نیستی کدام صحیح است ؟ مخصوصا اگر که به ظهوراتی مانند " لست علهیم بوکیل "[[2]](#footnote-2) و " ما انت علیهم بجبار" [[3]](#footnote-3)و" لست علیهم بمصیطر"[[4]](#footnote-4) و" و ما انا علیکم بحفیظ"[[5]](#footnote-5) " فَلَعَلَّكَ باخِعٌ نَفْسَكَ عَلى‏ آثارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهذَا الْحَديثِ أَسَفاً"[[6]](#footnote-6) " طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی " [[7]](#footnote-7) ضمیمه شود دلالت قوی پیدا میکند در مقام نفی تکلیف یا نفی امکان فرقی نمیکند درهر دو حال نفی وظیفه میکند . اگرصحیح باشد چه باید کرد ؟ ممنوع را به حال خودش بگذاریم تا مانعش رفع شود؟

از سوی دیگر دسته دومی از ادله هستند که ظهور در تکلیف دارد مانند وجوب ارشاد جاهل علی المبنا بوِیژه در سازمان [[8]](#footnote-8)، وجوب امر به معروف و نهی از منکر ، لزوم دعوت به سوی رب با موعظه حسنه ، حکمت و جدال احسن و... [[9]](#footnote-9)که ظهور در وجوب دعوت دارد بویژه از ناحیه مدیران و مسئولان که مخاطب اصلی (ادع) هستند . لذا حجمی از تکلیف را بر دوش میگذارد جمع بین ادله به این است که بگوییم مدیران مامور به نتیجه نیستند ولی مکلف به تبلیغ و ارشاد هستند[[10]](#footnote-10) . واگر به مانع برخوردیم در حد توان رفع مانع کنیم مبتنی بر قاعده فقهی وجوب ارشاد جاهل و وجوب امر به معروف و نهی از منکر . لعل که مانع برطرف شد انذار واجب است حذر و تاثیر با خدا ست لظهور لینذروا قومهم و..لعلهم یحذرون [[11]](#footnote-11). قاعده دیگری هست که لا یترک المیسور با لمعسور [[12]](#footnote-12) البته این ظهور هم هست که " عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم " " ولو در مقابل است که " و ما اکثر الناس ولو حرصت بمومنین " و" ان تحرص علی هدیهم فان الله لا یهدی من یضل "[[13]](#footnote-13) اینها ظهور در نفی تکلیف ندارد شاید ظهور در نفی نتیجه دارد نه نفی تکلیف نفی تلاش نیست نفی تاثیر است ولی من باب اتمام حجت[[14]](#footnote-14) باید برای رفع موانع تلاش کرد . برای رفع عذر . بنابراین تکلیف مدیران منابع انسانی است که طی دوره ها و کارگاهها بتوان در حد میسور با موعظه و حکمت و عقائد پرسش و پاسخ وغیر ذلک سعی در رفع مانع کرد اگر نشد نیروی بی انگیزه را باید کنار گذاشت . کما اینکه در یک آیه به آن اشاره شد که حاکی از مجازات اینان بود [[15]](#footnote-15)و در نوبت قبل اشاره شد باید جای خود را به نیروی مهتدی و با انگیزه بدهد البته ما در فصل سوم از مدیریت رفتار سازمانی که فصل اصلاحات است با تفصیل بیش تری به طرق رفع مانع خواهیم پرداخت.

فتحصل : رفع موانع هدایت از باب اتمام حجت یک تکلیف است که مکمل وظیفه رهبری سازمانی رفتاری است .

1. **الزخرف : 40 أَ فَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَ مَنْ كانَ في‏ ضَلالٍ مُبينٍ**

   **فصلت : 44 وَ لَوْ جَعَلْناهُ قُرْآناً أَعْجَمِيًّا لَقالُوا لَوْ لا فُصِّلَتْ آياتُهُ ءَ أَعْجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذينَ آمَنُوا هُدىً وَ شِفاءٌ وَ الَّذينَ لا يُؤْمِنُونَ في‏ آذانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولئِكَ يُنادَوْنَ مِنْ مَكانٍ بَعيدٍ**

   **يونس : 43 وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَ فَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَ لَوْ كانُوا لا يُبْصِرُونَ در قرآن كلمه «عمي» و مانند آن بيش از 36 مرتبه به كار رفته است[1] كه 31 مورد آن مربوط به كوري دل است در پنج مورد آن مربوط به كوري ظاهري است.**

   **فصلت : 17 وَ أَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْناهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمى‏ عَلَى الْهُدى‏ فَأَخَذَتْهُمْ صاعِقَةُ الْعَذابِ الْهُونِ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ**

   **أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا ۖ فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَٰكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ** [↑](#footnote-ref-1)
2. **الأنعام : 66 وَ كَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَ هُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكيلٍ**

   **الأنعام : 107 وَ لَوْ شاءَ اللَّهُ ما أَشْرَكُوا وَ ما جَعَلْناكَ عَلَيْهِمْ حَفيظاً وَ ما أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكيلٍ**

   **يونس : 108 قُلْ يا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جاءَكُمُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدى‏ فَإِنَّما يَهْتَدي لِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّما يَضِلُّ عَلَيْها وَ ما أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكيلٍ**

   **الزمر : 41 إِنَّا أَنْزَلْنا عَلَيْكَ الْكِتابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدى‏ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّما يَضِلُّ عَلَيْها وَ ما أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكيلٍ**

   **الشورى : 6 وَ الَّذينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِياءَ اللَّهُ حَفيظٌ عَلَيْهِمْ وَ ما أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكيلٍ** [↑](#footnote-ref-2)
3. **ق : 45 نَحْنُ أَعْلَمُ بِما يَقُولُونَ وَ ما أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخافُ وَعيدِ**  [↑](#footnote-ref-3)
4. **ترجمه تفسير الميزان    ج‏20    460" لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ" كلمه" مصيطر" در اصل" مسيطر" با سين بوده، كه به معناى متسلط است، و جمله مورد بحث بيان و تفسير جمله‏" إِنَّما أَنْتَ مُذَكِّرٌ" است.**

   **[توضيحى راجع به استثناء" إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَ كَفَرَ" از" فَذَكِّرْ إِنَّما أَنْتَ مُذَكِّرٌ"]**

   **" إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَ كَفَرَ" اين جمله استثنايى است از مفعول جمله" فذكر" كه در كلام نيامده بود، و تقدير كلام چنين است:" فذكر الناس انما انت مذكر و لست عليهم بمصيطر الا من تولى منهم عن التذكرة و كفر- مردم را تذكر بده كه وظيفه تو تنها تذكر دادن است، تو دست زور به ايشان ندارى مگر افرادى از ايشان كه از تذكر و پندگيرى روى گردانند و كفر مى‏ورزند"، چون تذكر دادن آن جناب به افراد آن چنانى لغو و بى فايده است و معلوم است كه تولى و اعراض و كفر، همواره بعد از تذكر رخ مى‏دهند، پس آنچه با اين استثناء نفى شد تذكر مكرر است، گويا فرموده: تو به ايشان تذكر بده و تذكر خود را پى بگير و آن را قطع مكن، مگر از كسى كه‏يك بار و دو بار تذكرش دادى و او روى گردانيد و كفر ورزيد كه در اين صورت ديگر لازم نيست به تذكر خود ادامه دهى، بلكه بايد از او اعراض كنى، تا خداى تعالى به عذاب بزرگتر معذبش سازد.** [↑](#footnote-ref-4)
5. **الأنعام : 104 قَدْ جاءَكُمْ بَصائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْها وَ ما أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفيظٍ**

   **هود : 86 بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنينَ وَ ما أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفيظٍ**

   **دلايل روشن از طرف پروردگارتان براى شما آمد؛ كسى كه (به وسيله آن، حقّ را) ببيند، به سود خود اوست؛ و كسى كه از ديدن آن چشم بپوشد، به زيان خودش مى‏باشد؛ و من نگاهبان شما نيستم (و شما را بر قبول ايمان مجبور نمى‏كنم) (104)**

   **آنچه خداوند براى شما باقى گذارده (از سرمايه‏هاى حلال)، برايتان بهتر است اگر ايمان داشته باشيد! و من، پاسدار شما (و مأمور بر اجبارتان به ايمان) نيستم! (86)**

   **النساء : 80 مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّى فَما أَرْسَلْناكَ عَلَيْهِمْ حَفيظاً**

   **الأنعام : 107 وَ لَوْ شاءَ اللَّهُ ما أَشْرَكُوا وَ ما جَعَلْناكَ عَلَيْهِمْ حَفيظاً وَ ما أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكيلٍ**

   **الشورى : 48 فَإِنْ أَعْرَضُوا فَما أَرْسَلْناكَ عَلَيْهِمْ حَفيظاً إِنْ عَلَيْكَ إِلاَّ الْبَلاغُ وَ إِنَّا إِذا أَذَقْنَا الْإِنْسانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِها وَ إِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِما قَدَّمَتْ أَيْديهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسانَ كَفُورٌ**

   **كسى كه از پيامبر اطاعت كند، خدا را اطاعت كرده؛ و كسى كه سرباز زند، تو را نگهبان (و مراقب) او نفرستاديم (و در برابر او، مسئول نيستى). (80)**

   **اگر خدا مى‏خواست، (همه به اجبار ايمان مى‏آوردند،) و هيچ يك مشرك نمى‏شدند؛ و ما تو را مسئول (اعمال) آنها قرار نداده‏ايم؛ و وظيفه ندارى آنها را (به ايمان) مجبور سازى! (107)**

   **و اگر روى‏گردان شوند (غمگين مباش)، ما تو را حافظ آنان (و مأمور اجبارشان) قرار نداده‏ايم؛ وظيفه تو تنها ابلاغ رسالت است! و هنگامى كه ما رحمتى از سوى خود به انسان بچشانيم به آن دلخوش مى‏شود، و اگر بلايى بخاطر اعمالى كه انجام داده‏اند به آنها رسد (به كفران مى‏پردازند)، چرا كه انسان بسيار كفران‏كننده است! (48)** [↑](#footnote-ref-5)
6. **الكهف : 6 فَلَعَلَّكَ باخِعٌ نَفْسَكَ عَلى‏ آثارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهذَا الْحَديثِ أَسَفاً**

   **الشعراء : 3 لَعَلَّكَ باخِعٌ نَفْسَكَ أَلاَّ يَكُونُوا مُؤْمِنينَ**

   **//// 000/ 832/] گويى مى‏خواهى بخاطر اعمال آنان، خود را از غم و اندوه هلاك كنى اگر به اين گفتار ايمان نياورند! (6)**

   **گويى مى‏خواهى جان خود را از شدّت اندوه از دست دهى بخاطر اينكه آنها ايمان نمى‏آورند! (3)**  [↑](#footnote-ref-6)
7. **طه : 2 ما أَنْزَلْنا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقى‏**

   **ما قرآن را بر تو نازل نكرديم كه خود را به زحمت بيفكنى! (2)** [↑](#footnote-ref-7)
8. **ارشاد از ماده‌ رشد گرفته شده است که در****[لغت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%84%D8%BA%D8%AA" \o "لغت" \t "_blank) به معنای هدایت و به****[حق](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D9%82" \o "حق" \t "_blank) و درستی رهنمون کردن است**

   **[۱]و در مقابل آن کلمه‌ غیّ قرار دارد که به معنای هدایت به بی‌راهه می‌باشد.**

   **[[۲]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF_%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84" \l "foot2)****[۳] جاهل نیز از ماده‌ جهل به معنای کسی است که خالی از علم است.****[۴]البته باید دانست که جهل خود بر دو قسم است****[جهل بسیط](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AC%D9%87%D9%84_%D8%A8%D8%B3%DB%8C%D8%B7" \o "جهل بسیط" \t "_blank) و****[جهل مرکب](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AC%D9%87%D9%84_%D9%85%D8%B1%DA%A9%D8%A8" \o "جهل مرکب" \t "_blank)؛ جهل بسیط آن است که****[انسان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%A7%D9%86" \o "انسان" \t "_blank) چیزی را نمی‌داند ولی خودش هم می‌داند که نمی‌داند؛ ولی جهل مرکّب آن است که انسان نمی‌داند ولی نمی‌داند که نمی‌داند و به اصطلاح جهل در جهل است و آگاهی‌بخشی به چنین افرادی از گروه نخست به مراتب دشوارتر است.**

   **[[۵]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF_%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84" \l "foot5)در اصطلاح قرآنی و روایی نیز جهل در نقطه مقابل****[عقل](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%82%D9%84" \o "عقل" \t "_blank) قرار دارد، نه علم. از این‌رو جاهل به کسی گفته می‌شود که قدرت فهم مطالب و تجزیه و تحلیل آن را ندارد، اگرچه عالم باشد، به این معنا که دایره‌ اطلاعاتش گسترده است و ذهنش شبیه انباری از اطلاعات و اصطلاحات است، اما توانایی تجزیه و تحلیل این اطلاعات را در جای مناسب ندارد.****[۶]بنابراین ارشاد جاهل به معنای راهنمایی شخصی است که راه را از بی‌راهه باز نمی‌شناسد.**

   **[۲ - قرآن و ارشاد جاهل](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF_%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84" \l "%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86%20%D9%88%20%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF%20%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84) اهل کتاب بودن و سری در نوشته‌ها داشتن، هم‌چنان‌که مزیّت و ارزش است، محاسبه در پی‌دارد و از تکلیف بازخواست می‌شود. دانایان دین و آشنایان به حقایق و عالمان به کتاب، در برابر****[خالق](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AE%D8%A7%D9%84%D9%82" \o "خالق" \t "_blank) و****[خلق](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AE%D9%84%D9%82" \o "خلق" \t "_blank)،****[رسالت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B1%D8%B3%D8%A7%D9%84%D8%AA" \o "رسالت" \t "_blank) دارند. این میثاقی است که****[خداوند](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AE%D8%AF%D8%A7%D9%88%D9%86%D8%AF" \o "خداوند" \t "_blank) در وهله‌ نخست از پیامبرش گرفته****[۷]و در مرحله‌ بعد از تمامی عالمان و آگاهان به حقایق امور.****[۸]البته غالب انسان‌ها وقتی نام مسئولیّت بر سر کاری می‌آید از آن فراری می‌شوند، برای همین خداوند گروهی را از میان خود مردم موظف می‌داند که سفر کنند به سوی دیگر عالمان و از آنها نادانسته‌ها را یاد گرفته و به خاندان و اقوام خویش بیاموزند. در قرآن آمده است: «شایسته نیست****[مؤمنان](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%A4%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%86" \o "مؤمنان" \t "_blank) همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند. چرا از هر گروهی از آنان، طایفه‌ای کوچ نمی‌کند تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خودداری کنند!؛****[۹]در این آیه نکاتی نهفته که لازم است تامّل و توجه بیشتری در مورد آنها صورت گیرد:  
   ‌ا) هجرت برای یادگیری علوم و مسائلی که انسان برای رشد و تعالیش بدان نیازمند است، در ردیف****[هجرت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%87%D8%AC%D8%B1%D8%AA" \o "هجرت" \t "_blank) برای****[جهاد در راه خدا](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AC%D9%87%D8%A7%D8%AF_%D8%AF%D8%B1_%D8%B1%D8%A7%D9%87_%D8%AE%D8%AF%D8%A7" \o "جهاد در راه خدا" \t "_blank) قرار گرفته است، یعنی جهاد با جهل همانند جهاد با دشمن، بر تمامی****[مسلمانان](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B3%D9%84%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%A7%D9%86" \o "مسلمانان" \t "_blank) واجب است.  
   ‌ب) مقصود از تفقه در دین یادگیری احکام عملی و****[علم فقه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%84%D9%85_%D9%81%D9%82%D9%87" \o "علم فقه" \t "_blank) تنها نیست، بلکه****[فقه](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%81%D9%82%D9%87" \o "فقه" \t "_blank) و****[فقاهت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%81%D9%82%D8%A7%D9%87%D8%AA" \o "فقاهت" \t "_blank) به معنی****[فهم](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%81%D9%87%D9%85" \o "فهم" \t "_blank) است که از روی دقّت و تامّل صورت بگیرد و چون در رابطه با امور دینی ذکر شود، شامل یادگیری حقایق و معارف دینی از اصول و فروع اسلامی می‌شود.   
   ‌ج) کسانی که برای یادگیری علوم دینی گمارده می‌شوند، از طبقه و نژاد خاصی نیستند، بلکه همه از درون جامعه اسلامی برخاسته‌اند.**

   **د) گروهی که کسب****[دانش](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AF%D8%A7%D9%86%D8%B4" \o "دانش" \t "_blank) نمودند، در جایی نمی‌مانند تا مردم نزد آنان آیند، بلکه خود به میان مردم می‌روند و هشدارشان می‌دهند****[۱۳]و این همان وظیفه‌ عالمان برای ارشاد جاهلان می‌باشد.**

   **[۳ - سیره‌ امامان‌ در ارشاد](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF_%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84" \l "%D8%B3%DB%8C%D8%B1%D9%87%E2%80%8C%20%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%20%D8%AF%D8%B1%20%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF)ویرایش**

   **در بیشتر کتاب‌هایی که به جمع‌آوری احادیثی در رابطه با****[اخلاق](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82" \o "اخلاق" \t "_blank) و اعتقادات پرداخته شده، فصلی به فضیلت کسب دانش و جایگاه والای دانشمندان اختصاص یافته است.****[۱۴]****[۱۵]****[۱۶]اما در همان کتاب‌ها به این نکته نیز اشاره شده است که در صورتی عالمی مورد ستایش واقع می‌شود که دیگران را از علمش بهره‌مند سازد.****[۱۷]****[۱۸]در روایتی****[حضرت علی‌ (علیه‌السّلام)](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA_%D8%B9%D9%84%DB%8C%E2%80%8C_(%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%91%D9%84%D8%A7%D9%85)" \o "حضرت علی‌ (علیه‌السّلام)" \t "_blank) فرمودند: خداوند از جاهلان برای طلب دانش پیمان نگرفت تا اینکه نخست از دانشمندان جهت بیان دانش برای جاهلان پیمان گرفت، چرا که علم پیش از جهل آفریده شده است.****[۱۹]در بسیاری از روایات نیز مشاهده می‌شود که برای هر چیزی زکاتی در نظر گرفته شده که پرداخت آن واجب است و****[زکات علم](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B2%DA%A9%D8%A7%D8%AA_%D8%B9%D9%84%D9%85" \o "زکات علم (پیوندی وجود ندارد))، انتشار دادن آن است****[۲۰]****[۲۱]****[۲۲]و آیا نشر علم، چیزی جز آگاهی‌بخشی به افراد ناآگاه است؟ و چه زیبا هدیّه‌ای است ارشاد و هدایت جاهل و آگاه نمودن او که هیچ هدیّه‌ای به پای آن نرسد.****[۲۳]خداوند به****[حضرت موسی‌ (علیه‌السّلام)](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA_%D9%85%D9%88%D8%B3%DB%8C%E2%80%8C_(%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%91%D9%84%D8%A7%D9%85)" \o "حضرت موسی‌ (علیه‌السّلام)" \t "_blank) فرمود: چیزهای خوب را یادبگیر و به کسانی هم که نمی‌دانند یاد بده! پس به‌درستی که من مزار معلّمان و راهنمایان خیر و خوبی و کسانی که آن را فرا می‌گیرند را، پُر از نور می‌کنم تا در آنجا از چیزی وحشت و هراس نداشته باشند****.[۲۴]**

   **[۴ - شیوه‌های ارشاد](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF_%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84" \l "%D8%B4%DB%8C%D9%88%D9%87%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C%20%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF)ویرایش**

   **برای آگاهی‌ دادن به مخاطبی که نمی‌داند در مسیر غلط گام برمی‌دارد می‌توان از****[آیات](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA" \o "آیات" \t "_blank) و****[روایات](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B1%D9%88%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D8%AA" \o "روایات" \t "_blank) و با مراجعه به سخنان بزرگان راه‌ها و شیوه‌های مختلفی را ارائه نمود که در ذیل به برخی از این روش‌ها اشاره می‌شود.**

   **[۴.۱ - دعوت عملی به نیکی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF_%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84" \l "%D8%AF%D8%B9%D9%88%D8%AA%20%D8%B9%D9%85%D9%84%DB%8C%20%D8%A8%D9%87%20%D9%86%DB%8C%DA%A9%DB%8C" \o "دعوت عملی به نیکی)**

   **تاثیر عمیق دعوت عملی از اینجا سرچشمه می‌گیرد که هرگاه شنونده بداند، گوینده از دل سخن می‌گوید و به گفته‌ خویش صددرصد ایمان دارد، گوش جان خود را به‌ روی سخنانش می‌گشاید و سخن که از دل برخیزد بر دل می‌نشیند و در جان اثر می‌گذارد و بهترین نشانه ایمان گوینده به سخنش این است که خود قبل از دیگران عمل کند.****[ابن‌ابی‌یعفور](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%A8%D9%86%E2%80%8C%D8%A7%D8%A8%DB%8C%E2%80%8C%DB%8C%D8%B9%D9%81%D9%88%D8%B1" \o "ابن‌ابی‌یعفور" \t "_blank) گوید:****[امام صادق‌ (علیه‌السّلام)](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B5%D8%A7%D8%AF%D9%82%E2%80%8C_(%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%91%D9%84%D8%A7%D9%85)" \o "امام صادق‌ (علیه‌السّلام)" \t "_blank) به من فرمود: مردم را به غیر از زبانتان (با عملتان) دعوت به (راه راست) کنید، تا سعی و کوشش و درستی و خویشتن‌داری را از شما مشاهده کنند.**

   **[۴.۲ - آگاهی با بیان ساده و رسا](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF_%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84" \l "%D8%A2%DA%AF%D8%A7%D9%87%DB%8C%20%D8%A8%D8%A7%20%D8%A8%DB%8C%D8%A7%D9%86%20%D8%B3%D8%A7%D8%AF%D9%87%20%D9%88%20%D8%B1%D8%B3%D8%A7" \o "آگاهی با بیان ساده و رسا)**

   **ساده‌ترین روش در ارشاد جاهل، گوشزد کردن آنچه که او نمی‌داند با بیانی ساده و بی‌پیرایه است. در ارشاد هدف این است که شخص شنونده متوجه اشتباه و خطای خویش گردد. اگر شخص ارشادکننده طوری صحبت کند که اصلا او متوجه گفته‌هایش نشود، نتیجه این می‌شود که این همه تلاش برای ارشاد، تلاش برای هیچ بوده است.****[۲۷]**

   **[۴.۳ - آموزش غیرمستقیم](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF_%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84" \l "%D8%A2%D9%85%D9%88%D8%B2%D8%B4%20%D8%BA%DB%8C%D8%B1%D9%85%D8%B3%D8%AA%D9%82%DB%8C%D9%85" \o "آموزش غیرمستقیم)**

   **[امام حسن](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AD%D8%B3%D9%86" \o "امام حسن" \t "_blank) و****[امام حسین‌ (علیه‌السّلام)](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AD%D8%B3%DB%8C%D9%86%E2%80%8C_(%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%91%D9%84%D8%A7%D9%85)" \o "امام حسین‌ (علیه‌السّلام)" \t "_blank) در ایام کودکی بر پیرمردی گذشتند که مشغول وضو گرفتن بود، ولی وضو را درست انجام نمی‌داد. آن دو بزرگوار‌ (علیه‌السّلام) (برای اینکه آن پیرمرد را آگاه نمایند) به آن پیرمرد گفتند: ما دو نفر وضو می‌گیریم و شما قضاوت کنید که کدام‌یک از ما بهتر وضو می‌گیرد. وقتی وضو گرفتند به وی گفتند: وضوی کدام‌یک از ما نیکوتر بود؟ گفت: شما هر دو خوب وضو گرفتید، ولی این پیرمرد نادان وضویش صحیح نبود. اکنون وضو گرفتن را از شما آموختم.  
   عرب‌زبان‌ها ضرب‌المثلی دارند که می‌گوید: به‌کنایه سخن گفتن رساتر از تصریح است.**

   **[۴.۴ - یادآوری](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF_%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84" \l "%DB%8C%D8%A7%D8%AF%D8%A2%D9%88%D8%B1%DB%8C" \o "یادآوری)**

   **در برخی موارد، در مسیر اشتباه گام برداشتن نه به‌خاطر ندانستن است، بلکه بخاطر غفلت و فراموشی است. در چنین مواردی یادآوری آنچه که فراموش شده، بهترین شیوه برای هدایت و ارشاد است.خداوند متعال به****[رسول اکرم‌ (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم)](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B1%D8%B3%D9%88%D9%84_%D8%A7%DA%A9%D8%B1%D9%85%E2%80%8C_(%D8%B5%D9%84%DB%8C%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%87%E2%80%8C%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D9%88%E2%80%8C%D8%A2%D9%84%D9%87%E2%80%8C%D9%88%D8%B3%D9%84%D9%91%D9%85)" \o "رسول اکرم‌ (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم)" \t "_blank) چنین می‌فرماید: و پیوسته تذکر ده، زیرا تذکر مؤمنان را سود می‌بخشد.  وش‌های دیگری نیز می‌توان به این موارد افزود که با تفاوت شرایط زمان و مکان کاربرد بهتری دارند، اما برشمردن همه‌ آنها از حوصله‌ این مقاله خارج است.**

   **۵ - ویژگی‌های ارشادکنندهویرایش**

   **آراستگی به اخلاق انسانی و زدودن خوی‌های زشت، وظیفه‌ همگان است. اما چنان‌که بیان شد، کسی که دیگران را به نیکی‌ها، خوش‌خلقی‌ها، راستی‌ها و دوری از کژی‌ها و ناراستی‌ها فرامی‌خواند، بدین سبب که تا خود به این امور باور نداشته باشد توصیه‌هایش در دیگران چندان اثری نخواهد داشت، باید سرلوحه‌ دیگران در این مسیر باشد.  
   از سوی دیگر مهم‌ترین عامل جذب و تاثیرگذاری اخلاق است. اخلاق نیک آدمی زمینه‌ گرایش مردم را فراهم می‌آورد، چنان‌که اخلاق زشت، موجب نفرت و فرار مردم از او می‌گردد. پس به عنوان زیربنای شخصیّت ارشادکننده، اخلاق نخستین ضرورت است.  
   از جمله خصوصیّات اخلاقی و دیگر مسائلی که اطلاع از آنها برای شخص راهنما ضروری است می‌توان به این موارد اشاره داشت.**

   **[۵.۱ - حس انسان‌دوستی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF_%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84" \l "%D8%AD%D8%B3%20%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%A7%D9%86%E2%80%8C%D8%AF%D9%88%D8%B3%D8%AA%DB%8C" \o "حس انسان‌دوستی)**

   **نخستین خصلتی که باید در وجود شخص ارشادکننده نهادینه شود، حس انسان‌دوستی و شور و سوز اصلاح و هدایت نوع انسان است. وجود این حس در****[فطرت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%81%D8%B7%D8%B1%D8%AA" \o "فطرت" \t "_blank) آدمی است که وقتی می‌بیند تشنه‌کامان حقیقت از بی‌راهه می‌روند، او را وامی‌دارد تا به هدایت و ارشاد آنها بپردازد. نمونه‌ آشکار این حرکت وجود نازنین پیامبر گرامی اسلام‌ (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) است. خداوند خطاب به رسول گرامیش می‌فرماید: «گویی می‌خواهی جان خود را از شدّت‌ اندوه از دست دهی بخاطر این‌که آنها****[ایمان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86" \o "ایمان" \t "_blank) نمی‌آورند!؛****[۳۰]عشق به هدایت انسان‌ها در وجود نازنین رسول‌ خدا (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) چنان موج می‌زد که نمی‌توانست جهالت و نادانی برخی را ببیند و از کنارشان عبور کند.**

   **[۵.۲ - شهامت حق‌گویی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF_%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84" \l "%D8%B4%D9%87%D8%A7%D9%85%D8%AA%20%D8%AD%D9%82%E2%80%8C%DA%AF%D9%88%DB%8C%DB%8C" \o "شهامت حق‌گویی)**

   **ترس، زبونی و سستی در اظهار حق، از گناهان بزرگی است که شاید جبران‌ناپذیر باشد. اگر انسان با آزادگی و شجاعت کامل مراقب خود نباشد، ممکن است حقیقت را فدای مصلحت موهومی کند که در ذهنش رسوخ کرده و یا محیط خاصی را پدید آورده است. اگر چنین فضایی برای ارشادکننده پیش آید، باید با استمداد از نیروی لایزال الهی، بر تخیّلات خویش غلبه نماید و جوّ کاذب را بشکند و به روش****[پیامبران](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%86" \o "پیامبران" \t "_blank) بنگرد که چگونه‌ اندیشه‌های نو و صددرصد متضاد با تفکّر محیط را عرضه می‌کردند و از هیچ چیز نمی‌هراسیدند****[۳۱]****[۳۲]**

   **[۵.۳ - رفق و مدارا با مردم](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF_%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84" \l "%D8%B1%D9%81%D9%82%20%D9%88%20%D9%85%D8%AF%D8%A7%D8%B1%D8%A7%20%D8%A8%D8%A7%20%D9%85%D8%B1%D8%AF%D9%85" \o "رفق و مدارا با مردم)**

   **درجه‌ ایمان و باور مردم متفاوت است و بسیاری از مسائل برایشان حل شده نیست، بلکه می‌آیند و سوال می‌کنند و در هر مسئله‌ مسلّمی ممکن است شک کنند و با تردید بپرسند. در این‌گونه موارد است که شخص عالم و فرهیخته باید با بردباری و مدارا پاسخ گوید و بکوشد که با توضیح و بیانات گوناگون، موضوع را برای مردم روشن کند. از هیچ نوع سوال و مطلبی نرنجد، قیافه درهم نکشد، پرسنده را رد و طرد نکند و از****[تکفیر](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%DA%A9%D9%81%DB%8C%D8%B1" \o "تکفیر" \t "_blank) و تفسیق بپرهیزد.آیات ابتدای****[سوره‌ عبس](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87%E2%80%8C_%D8%B9%D8%A8%D8%B3" \o "سوره‌ عبس" \t "_blank) یادآور همین نکته می‌باشد.**

   **[۵.۴ - بذل علم با جان و دل](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF_%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84" \l "%D8%A8%D8%B0%D9%84%20%D8%B9%D9%84%D9%85%20%D8%A8%D8%A7%20%D8%AC%D8%A7%D9%86%20%D9%88%20%D8%AF%D9%84" \o "بذل علم با جان و دل)**

   **آن‌جا که نیاز به بیان است تا جاهلی آگاه شود، تا رهروی در چاه نیفتد، تا مرده دلی به حیات قلبی رسد، تا سرگردانی به چشمه‌ یقین دست یابد، در این‌گونه موارد، دم فرو بستن و کتمان علم و بیان نکردن حق، خیانت است.****[امام جواد‌ (علیه‌السّلام)](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AC%D9%88%D8%A7%D8%AF%E2%80%8C_(%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%91%D9%84%D8%A7%D9%85)" \o "امام جواد‌ (علیه‌السّلام)" \t "_blank) فرموده است: اگر عالمان، سرگردانی را ببینند و راهنمایی‌اش نکنند، یا مرده‌ای را ببینند و او را زنده نکنند و****[نصیحت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%D8%B5%DB%8C%D8%AD%D8%AA" \o "نصیحت" \t "_blank) و خیرخواهی را کتمان کنند، اینان خائن‌اند.**

   **[۵.۵ - شناخت مخاطب](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF_%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84" \l "%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%AE%D8%AA%20%D9%85%D8%AE%D8%A7%D8%B7%D8%A8" \o "شناخت مخاطب)**

   **کسی که در مسند ارشاد قرار دارد، باید توجه داشته باشد که با چه کسی گفتگو می‌کند. فهم هر فرد بسته به سنّ، جنسیّت و میزان علم و فهم، متفاوت خواهد بود.  
   روش ارشاد نوجوان و جوان با شیوه‌ ارشاد افراد میان‌سال و کهن‌سال بسیار متفاوت است. گاهی فردی هنگام آموزش دیگران مطالبی را در حدّ آگاهی خود بیان می‌کند و از اصطلاحات و عبارات علمی بهره می‌گیرد، در صورتی که بسیاری از آن اصطلاحات برای اکثر افراد قابل پذیرش و فهم نیست. رسول خدا‌ (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) این روش را شیوه‌ پیامبران در ارشاد دیگران معرّفی می‌نمایند: ما گروه پیامبران دستور داریم که با مردم در خور عقلشان سخن بگوئیم.****[۳۶]برای دست‌یابی به نتیجه‌ مطلوب، باید مطالب را در حدّ فهم افراد ساده و روشن بیان نمود.**

   **[۵.۶ - توجه به شرایط زمان و مکان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF_%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84" \l "%D8%AA%D9%88%D8%AC%D9%87%20%D8%A8%D9%87%20%D8%B4%D8%B1%D8%A7%DB%8C%D8%B7%20%D8%B2%D9%85%D8%A7%D9%86%20%D9%88%20%D9%85%DA%A9%D8%A7%D9%86" \o "توجه به شرایط زمان و مکان)**

   **مکان‌های مذهبی هم‌چون مساجد و زیارت‌گاه‌ها، بهترین و مناسب‌ترین مکان‌ها برای آموزش مسائل دینی است، البته باید دانست که آموزش این مسائل منحصر به چنین مکان‌هایی نیست، بلکه مراکز آموزشی چون مدارس، دانشگاه‌ها و... نیز زمینه‌ مناسبی برای سخن گفتن در این‌باره را دارند.  
   زمان نیز به‌مانند مکان دارای اهمیّت بسزایی در پذیرش راهنمایی‌های دیگران است. پند و‌ اندرز دیگران هنگام گرسنگی، تشنگی، خستگی، بی‌حوصلگی و هیجان نه تنها مفید نیست، بلکه تاثیرات منفی نیز دربردارد. ایام****[ماه رمضان](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%A7%D9%87_%D8%B1%D9%85%D8%B6%D8%A7%D9%86" \o "ماه رمضان" \t "_blank)،****[ماه محرّم](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%A7%D9%87_%D9%85%D8%AD%D8%B1%D9%91%D9%85" \o "ماه محرّم" \t "_blank)، مجالس عزا و مراسم شادی و سرور برای****[اهل‌بیت (علیه‌السّلام)](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%87%D9%84%E2%80%8C%D8%A8%DB%8C%D8%AA_(%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%91%D9%84%D8%A7%D9%85)" \o "اهل‌بیت (علیه‌السّلام)" \t "_blank) و اوقاتی که مخاطب دوست دارد با کسی درد و دل کند، از بهترین مواقع راهنمایی دیگران است.  
   امام حسین‌ (علیه‌السّلام) از****[ایام حجّ](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D9%85_%D8%AD%D8%AC%D9%91" \o "ایام حجّ" \t "_blank) بهترین بهره‌برداری را برای رساندن پیام انقلاب خود و بیداری مسلمانان از خواب غفلت، نمود****[۳۷]**

   **۶ - دیدگاه فقهای معاصرویرایش**

   **فقهای معاصر درباره ارشاد جاهل، مباحث مختلفی را ارائه کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:**

   **[۶.۱ - قاعده یا مسأله فقهی بودن ارشاد جاهل](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF_%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84" \l "%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87%20%DB%8C%D8%A7%20%D9%85%D8%B3%D8%A3%D9%84%D9%87%20%D9%81%D9%82%D9%87%DB%8C%20%D8%A8%D9%88%D8%AF%D9%86%20%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF%20%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84" \o "قاعده یا مسأله فقهی بودن ارشاد جاهل)**

   **بحث اول در اینست که ارشاد جاهل یک****[قاعده فقهی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87_%D9%81%D9%82%D9%87%DB%8C" \o "قاعده فقهی" \t "_blank) است یا یک****[مسأله فقهی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B3%D8%A3%D9%84%D9%87_%D9%81%D9%82%D9%87%DB%8C" \o "مسأله فقهی" \t "_blank). برخی از این جهت که حکم صریح درباره ارشاد جاهل داریم، آن را یک مسأله فقهی می‌دانند****[۳۸] ولی برخی دیگر آن را یک قاعده عام فقهی قلمداد کرده‌اند.****[۳۹]****[۴۰]**

   **[۶.۲ - ارشاد جاهل در احکام و موضوعات](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF_%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84" \l "%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF%20%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84%20%D8%AF%D8%B1%20%D8%A7%D8%AD%DA%A9%D8%A7%D9%85%20%D9%88%20%D9%85%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%B9%D8%A7%D8%AA" \o "ارشاد جاهل در احکام و موضوعات)**

   **ارشاد جاهل گاهی در****[احکام](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AD%DA%A9%D8%A7%D9%85" \o "احکام" \t "_blank) است و گاهی در****[موضوعات](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%B9%D8%A7%D8%AA" \o "موضوعات" \t "_blank). بنابراین مقام اول، ارشاد جاهل نسبت به****[احکام کلیه الهیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AD%DA%A9%D8%A7%D9%85_%DA%A9%D9%84%DB%8C%D9%87_%D8%A7%D9%84%D9%87%DB%8C%D9%87" \o "احکام کلیه الهیه (پیوندی وجود ندارد)) است؛ بدون آنکه بین****[حکم واقعی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%DA%A9%D9%85_%D9%88%D8%A7%D9%82%D8%B9%DB%8C" \o "حکم واقعی" \t "_blank) یا****[ظاهری](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%DA%A9%D9%85_%D8%B8%D8%A7%D9%87%D8%B1%DB%8C" \o "حکم ظاهری" \t "_blank) تفاوتی باشد. به عنوان مثال کسی****[شبهه حکمیّه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%A8%D9%87%D9%87_%D8%AD%DA%A9%D9%85%DB%8C%D9%91%D9%87" \o "شبهه حکمیّه" \t "_blank) در أعراض و نفوس دارد و نسبت به حکم ظاهری که جعل****[احتیاط](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AD%D8%AA%DB%8C%D8%A7%D8%B7" \o "احتیاط" \t "_blank) توسط****[شارع](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%A7%D8%B1%D8%B9" \o "شارع" \t "_blank) است،****[جهل](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AC%D9%87%D9%84" \o "جهل" \t "_blank) دارد. مقام دوم ارشاد جاهل در موضوعات خارجی است.****[حکم](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%DA%A9%D9%85" \o "حکم" \t "_blank) و****[کبری](https://fa.wikifeqh.ir/%DA%A9%D8%A8%D8%B1%DB%8C" \o "کبری" \t "_blank) را می‌داند اما****[موضوع](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%B9" \o "موضوع" \t "_blank) و****[صغری](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B5%D8%BA%D8%B1%DB%8C" \o "صغری" \t "_blank) را نمی‌داند. مثلاً می‌داند که نماز را باید به سمت****[قبله](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%A8%D9%84%D9%87" \o "قبله" \t "_blank) بخواند ولی در هنگام خواندن****[نماز](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%D9%85%D8%A7%D8%B2" \o "نماز" \t "_blank)، به سمت قبله نماز نمی خواند چرا که جاهل به موضوع است و فکر می کند جهتی که ایستاده قبله است.**

   **در ارشاد جاهل نسبت به احکام کلیه، سه قول اصلی و اساسی وجود دارد:**

   **قول اول،****[وجوب](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8" \o "وجوب" \t "_blank) بدون****[قید](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%DB%8C%D8%AF" \o "قید" \t "_blank) و****[شرط](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%B1%D8%B7" \o "شرط" \t "_blank) ارشاد جاهل است. البته****[شرایط عامه تکلیف](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%B1%D8%A7%DB%8C%D8%B7_%D8%B9%D8%A7%D9%85%D9%87_%D8%AA%DA%A9%D9%84%DB%8C%D9%81" \o "شرایط عامه تکلیف" \t "_blank) باید باشد.**

   **قول دوم عدم وجوب بدون قید است. و طبق این قول نسبت به ارشاد جاهل هیچ وظیفه‌ای وجود ندارد. البته مواردی وجود دارد که ارشاد جاهل از باب مقدمه امر به معروف یا نهی یا منع از منکر لازم است اما به عنوان خود ارشاد جاهل واجب نیست. اگر منکری انجام می شود و اگر به فاعل آن گفته شود انجام نده، دست بر نمی‌دارد ولی اگر به او گفته شود که این فعل تو****[حرام](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%B1%D8%A7%D9%85" \o "حرام" \t "_blank) است، ترک می‌کند. از باب مقدمه منع از منکر واجب است اما به عنوان یک وظیفه مستقلّ الهی، ارشاد جاهل واجب نیست.  
   قول سوم، تفصیل بین موارد مختلف است که اگر قید باشد واجب و اگر نباشد واجب نیست که با توجه به کلمات فحص شده، شش تفصیل، به دست آمده است**

   **[۶.۳ - در باب امر به معروف و نهی از منکر](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF_%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84" \l "%D8%AF%D8%B1%20%D8%A8%D8%A7%D8%A8%20%D8%A7%D9%85%D8%B1%20%D8%A8%D9%87%20%D9%85%D8%B9%D8%B1%D9%88%D9%81%20%D9%88%20%D9%86%D9%87%DB%8C%20%D8%A7%D8%B2%20%D9%85%D9%86%DA%A9%D8%B1" \o "در باب امر به معروف و نهی از منکر)**

   **[آیت الله مکارم شیرازی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A2%DB%8C%D8%AA_%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%87_%D9%85%DA%A9%D8%A7%D8%B1%D9%85_%D8%B4%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D8%B2%DB%8C" \o "آیت الله مکارم شیرازی" \t "_blank)، ارشاد جاهل را ذیل****[امر به معروف و نهی از منکر](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%B1_%D8%A8%D9%87_%D9%85%D8%B9%D8%B1%D9%88%D9%81_%D9%88_%D9%86%D9%87%DB%8C_%D8%A7%D8%B2_%D9%85%D9%86%DA%A9%D8%B1" \o "امر به معروف و نهی از منکر" \t "_blank) بحث کرده است. به این معنا که در مرتکب****[گناه](https://fa.wikifeqh.ir/%DA%AF%D9%86%D8%A7%D9%87" \o "گناه" \t "_blank) بین****[جاهل قاصر](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84_%D9%82%D8%A7%D8%B5%D8%B1" \o "جاهل قاصر" \t "_blank) و****[جاهل مقصر](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84_%D9%85%D9%82%D8%B5%D8%B1" \o "جاهل مقصر" \t "_blank) تفاوت قائل شده و گفته‌اند: اگر جاهل قاصر باشد نهی از منکر لازم نیست چون او کار خلافی را انجام نمی‌دهد هر چند در واقع آن عمل حرام باشد ولی از آنجا که قاصر است کار حرام و منکری را انجام نمی‌دهد در نتیجه نهی از منکر لازم نیست. ولی اگر مقصر باشد او چون به دنبال فراگیری مسأله نرفته و کوتاهی کرده است در این صورت نهی از منکر لازم می باشد زیرا فعلی که او مرتکب می شود منکر محسوب می شود.**

   **[[۴۴]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B1%D8%B4%D8%A7%D8%AF_%D8%AC%D8%A7%D9%87%D9%84" \l "foot44)در واقع ایشان تکلیف اولیه درباره جاهل قاصر را ارشاد جاهل و سپس در صورت اصرار بر گناه، نهی از منکر می‌دانند، اما تکلیف اولیه درباره جاهل مقصر را نهی از منکر عنوان کرده‌اند.** [↑](#footnote-ref-8)
9. **النحل : 125 ادْعُ إِلى‏ سَبيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جادِلْهُمْ بِالَّتي‏ هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدينَ** [↑](#footnote-ref-9)
10. **یادنامه شرق، ش 491، 12/3/84  
    در این نوشتار نویسنده به یکی از جملات حضرت امام قدس‏سره که فرمود «همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‏ایم نه مأمور به نتیجه» اشاره می‏کند و از سه دیدگاه و عرصه مختلف به آن می‏پردازد.  
    1. فقه: در اعمال تعبدی مثل نماز و روزه و حج چون نتیجه اعمال بر ما پوشیده است، لذا فقط مأموریم که آنها را تعبدا و به قصد قربت انجام دهیم. هرچند برخی خواسته‏اند که فلسفه این‏گونه اعمال را در این دنیا بیابند، اما آنها وافی به مقصود نیستند. البته بعضی عبادات را باید با توجه به نتیجه آن انجام داد، مانند نهی از منکری که باعث تجری منهی منه شود، در اینجا تکلیف از ناهی ساقط می‏شود. حتی در قصاص و دیات وارث چنین است، مثلاً قطع ید سارق اگر منتج به کاهش سرقت در جامعه نشود، برخی معتقدند، بهتر است راه شرع را کنار نهیم و بنابر مصلحت عمومی راه مؤثر عرفی را در پیش بگیریم.  
    2. عرفان: در عرفان که سالک معمولاً خود را در اختیار مرشد قرار می‏دهد. گویی سالک ظرفیت درک نتیجه تکالیف و ریاضات و مراحل و منازل طریقت را ندارد. گرچه بعد از طی مراحلی از کمال، نتیجه زحمات خود را خواهد دید. اما برخی همچون حضرت موسی علیه‏السلام که به همراه خضر بود در مراحلی طاقت نیاورد و می‏گفت من مأمور به نتیجه هستم، نه مأمور به تکلیف و حاضر نشد در قتل نوجوانی که بعدها مشکل‏ساز می‏شود شرکت کند و با...  
    3. سیاست: ممکن است برخی‏ها بگویند که این جمله امام در تقابل با جمله معروف ماکیاولی است که گفته است «هدف وسیله را توجیه می‏کند». اما با دقت در گفتار ماکیاولی درمی‏یابیم که او توصیه نمی‏کند که از وسیله دست بردار و یک‏سره به سراغ هدف برو. بلکه سفارش می‏کند که از هر نوع وسیله‏ای که تو را زودتر به مقصود می‏رساند استفاده کن. راه شرافتمندانه برای رسیدن به هدف، قطعا هم محتاج به هدف‏گذاری و تبیین نتیجه است و هم ابزار مناسب و شریف برای نیل به مقصود. بنابراین کسی که بگوید امام حسین او مأمور به وظیفه و تکلیف بوده نه نتیجه به او جفا کرده است؛ چرا که خود ایشان فرموده‏اند که من برای احیای سنن متروکه و مندرس جدم قیام کردم. پس با مراجعه به فرمایشات امام قدس‏سره به نظر می‏رسد که این جمله معروف ایشان در مقام تشجیع و خطابه در زمان جنگ، برای تقویت روحیه رزمندگان است.  
    حاصل آنکه غرابت کلام امام را می‏توان به این نحو تبیین کرد که یا ایشان در مقام فقیهی عالی‏قدر به احکام فردی ـ عبادی که ناظر به تنظیم رابطه انسان و خداست نظر داشته است، یا به عنوان عارفی و اصل، سالکین مراحل اولیه سلوک را موعظه کرده است و یا از موضع خطابی برای تشجیع رزمندگان سخن گفته است.** [↑](#footnote-ref-10)
11. **التوبة : 122 وَ ما كانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ**  [↑](#footnote-ref-11)
12. ***در اصطلاح فقهي به اين معناست كه وقتي،***[***شارع***](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%A7%D8%B1%D8%B9)***به چيزي كه مركب از******[اجزاء](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AC%D8%B2%D8%A7%D8%A1" \o "اجزاء" \t "_blank) و******[شرایط](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%B1%D8%A7%DB%8C%D8%B7" \o "شرایط" \t "_blank) و موانعي است امر فرمود و انجام برخي از***[***اجزاء***](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AC%D8%B2%D8%A7%D8%A1)***و***[***شرایط***](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%B1%D8%A7%DB%8C%D8%B7)***آن******[واجب](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8" \o "واجب" \t "_blank) يا ترك برخي از موانع آنمقدور******[مکلف](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%DA%A9%D9%84%D9%81" \o "مکلف" \t "_blank) نبود،***[***وجوب***](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%88%D8%AC%D9%88%D8%A8)***مابقي***[***اجزاء***](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AC%D8%B2%D8%A7%D8%A1)***و***[***شرایط***](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%B1%D8%A7%DB%8C%D8%B7)***، باقي است به شرطي كه مابقي***[***اجزاء***](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AC%D8%B2%D8%A7%D8%A1)***و***[***شرایط***](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%B1%D8%A7%DB%8C%D8%B7)***عرفاً،******[میسور](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%DB%8C%D8%B3%D9%88%D8%B1" \o "میسور" \t "_blank) همان***[***واجب***](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8)***باشد و آن عمل، داراي مراتبي باشد كه بر برخي از آن مراتب، عنوان***[***میسور***](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%DB%8C%D8%B3%D9%88%D8%B1)***صدق كند و بر برخي مراتب، عنوان***[***میسور***](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%DB%8C%D8%B3%D9%88%D8%B1)***و ممكن مگر در مواردي كه***[***شارع***](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%A7%D8%B1%D8%B9)[***اجزاء***](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AC%D8%B2%D8%A7%D8%A1)***و***[***شرایط***](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%B1%D8%A7%DB%8C%D8%B7)***[عنوان پیوند](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%86%D9%88%D8%A7%D9%86_%D9%BE%DB%8C%D9%88%D9%86%D8%AF" \o "عنوان پیوند (پیوندی وجود ندارد)) را به مثابه امر واحد غير قابل تفكيكي اعتبار نموده باشد.***

    **- قال رسول الله (ص): «اذا امرتکم بشی‌ءٍ فأتوا منه ما استطعتم»:**[**[۸]**](https://wiki.ahlolbait.com/%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87_%D9%85%DB%8C%D8%B3%D9%88%D8%B1#cite_note-8)**این روایت هم شامل امور مرکبی است که اجزا و شرایطی دارند و هم شامل عام های افرادی(مثل**[**حج**](https://wiki.ahlolbait.com/%D8%AD%D8%AC)**). چون این موارد، مصداق «شی‌ء» هستند که امر به آنها باقی است ولو با وجود عدم قدرت بر برخی از اجزاء (در**[**نماز**](https://wiki.ahlolbait.com/%D9%86%D9%85%D8%A7%D8%B2)**)، یا عدم قدرت بر برخی از افراد (رفتن به حج در دو سال).**[**[۹]**](https://wiki.ahlolbait.com/%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87_%D9%85%DB%8C%D8%B3%D9%88%D8%B1#cite_note-9)

    **- قال رسول الله (ص): «لایترک المیسور بالمعسور»:**[**[۱۰]**](https://wiki.ahlolbait.com/%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87_%D9%85%DB%8C%D8%B3%D9%88%D8%B1#cite_note-10)**اطلاق این روایت هر دو قسم عمومات افرادی و امور مرکب را در بر می‌گیرد.**[**[۱۱]**](https://wiki.ahlolbait.com/%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87_%D9%85%DB%8C%D8%B3%D9%88%D8%B1#cite_note-11)

    **- قال علی (ع): «مالا یدرَک کلُّه، لاُیترک کلُّه»:**[**[۱۲]**](https://wiki.ahlolbait.com/%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87_%D9%85%DB%8C%D8%B3%D9%88%D8%B1#cite_note-12)**اشکالی که بر هر سه روایت مذکور وارد شده این است که ضعف سندی دارند. ولی این ضعف، با توجه به شهرت این روایات در کتب اصحاب، و کثرت عمل آنها به این روایات، قطعا جبران می‌شود.**[**[۱۳]**](https://wiki.ahlolbait.com/%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87_%D9%85%DB%8C%D8%B3%D9%88%D8%B1#cite_note-13)

    **ج) استصحاب:**

    **مقتضای اصل**[**استصحاب**](https://wiki.ahlolbait.com/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%B5%D8%AD%D8%A7%D8%A8)**وجوبی که برای مرکب ثابت بود این است که با معذور شدن اتیان برخی از اجزا و شرایط، وجوب انجام باقی اجزا و شرایط مقدور باقی است، به این بیان که پس از تعذر اتیان مرکب از اجزا و شرایط، در بقای وجوب متعلق به اجزای مقدور تردید می‌کنیم و وجوب قبلی را برای اجزاء و شرایط مقدور، استصحاب می‌کنیم. البته این اصل در صورتی دلیلیت دارد که اطلاقات ادله اولیه واجبات به عنوان مدرک قاعده قبول نشود وگرنه براساس حکومت امارات بر اصول عملیه، این اصل عملی نمی‌تواند دلیل این قاعده باشد.**[**[۱۴]**](https://wiki.ahlolbait.com/%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87_%D9%85%DB%8C%D8%B3%D9%88%D8%B1#cite_note-14)

    **[۲ - موارد به کارگیری این قاعده](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87_%D9%85%DB%8C%D8%B3%D9%88%D8%B1" \l "%D9%85%D9%88%D8%A7%D8%B1%D8%AF%20%D8%A8%D9%87%20%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DA%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C%20%D8%A7%DB%8C%D9%86%20%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87)**

    **این قاعده علاوه بر****[واجبات](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A7%D8%AA" \o "واجبات" \t "_blank) در****[مستحبات](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A7%D8%AA" \o "مستحبات" \t "_blank) هم معتبر مي‌باشد؛ چون قيود در**[**مستحبات**](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A7%D8%AA)**از باب تعدد مطلوب هستند كه هر قيدي علت جداگانه‌اي دارد، نه از قبیل****[تقیید](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%D9%82%DB%8C%DB%8C%D8%AF" \o "تقیید" \t "_blank) كه**[**اجزاء**](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AC%D8%B2%D8%A7%D8%A1)**و قيود به صورت مجموعي مصلحت دارند.**

    [**[۴]**](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87_%D9%85%DB%8C%D8%B3%D9%88%D8%B1#foot4)

    **البته، این قاعده در**[**مستحبات**](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B3%D8%AA%D8%AD%D8%A8%D8%A7%D8%AA)**و واجباتي جريان دارد كه****[مصلحت نفسی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B5%D9%84%D8%AD%D8%AA_%D9%86%D9%81%D8%B3%DB%8C" \o "مصلحت نفسی (پیوندی وجود ندارد)) داشته باشند و خودشان**[**واجب**](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8)**باشد نه اينكه مقدمه‌اي براي انجام**[**واجب**](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8)**ديگري باشند. چون در****[واجبات مقدمی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%88%D8%A7%D8%AC%D8%A8%D8%A7%D8%AA_%D9%85%D9%82%D8%AF%D9%85%DB%8C" \o "واجبات مقدمی (پیوندی وجود ندارد))، (مثل****[وضوء](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%88%D8%B6%D9%88%D8%A1" \o "وضوء" \t "_blank))****[اتیان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AA%DB%8C%D8%A7%D9%86" \o "اتیان" \t "_blank) برخي از**[**اجزاء**](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AC%D8%B2%D8%A7%D8%A1)**، تأثيري در اتیان****[ذی‌المقدمه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B0%DB%8C%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%82%D8%AF%D9%85%D9%87" \o "ذی‌المقدمه (پیوندی وجود ندارد)) ندارد و نمي‌تواند****[مقدمه](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%82%D8%AF%D9%85%D9%87" \o "مقدمه" \t "_blank) قرار بگيرد.**

    **[۳ - مضمون قاعده](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87_%D9%85%DB%8C%D8%B3%D9%88%D8%B1" \l "%D9%85%D8%B6%D9%85%D9%88%D9%86%20%D9%82%D8%A7%D8%B9%D8%AF%D9%87)**

    **قاعده میسور، از****[قواعد فقهی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D9%88%D8%A7%D8%B9%D8%AF_%D9%81%D9%82%D9%87%DB%8C" \o "قواعد فقهی" \t "_blank) بوده و مضمون آن این است که هرگاه انجام تکلیفی به صورت کامل با تمام****[اجزا](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AC%D8%B2%D8%A7" \o "اجزا" \t "_blank) و**[**شرایط**](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%B1%D8%A7%DB%8C%D8%B7)**یا تمام مصادیق آن، دشوار یا ناممکن شود، به جا آوردن بخشی از آن که برای**[**مکلف**](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%DA%A9%D9%84%D9%81)**[ممکن](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%85%DA%A9%D9%86" \o "ممکن" \t "_blank) و مقدور است از عهده او ساقط نمی‌گردد. طبق این قاعده، هرگاه مولا یا****[قانون](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88%D9%86" \o "قانون" \t "_blank) گذار، موضوع مرکبی مثل**[**نماز**](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%D9%85%D8%A7%D8%B2)**را که از اجزا و شرایط مخصوص ترکیب یافته است، از مکلف****[طلب](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B7%D9%84%D8%A8" \o "طلب" \t "_blank) کند، و یا به یک موضوع کلی دارای مصادیق مثل اکرام****[علما](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%84%D9%85%D8%A7" \o "علما" \t "_blank) امر نماید، ولی مکلف از****[امتثال](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%AA%D8%AB%D8%A7%D9%84" \o "امتثال" \t "_blank) آن مرکب (نماز) یا عام اکرام علما) به صورت کامل،****[عاجز](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D8%A7%D8%AC%D8%B2" \o "عاجز" \t "_blank) گردد، برای مثال، به علت تنگی****[وقت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%88%D9%82%D8%AA" \o "وقت" \t "_blank) نتواند****[سوره](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%D9%88%D8%B1%D9%87" \o "سوره" \t "_blank) را بخواند یا نتواند در حال ایستاده اقامه نماز نماید یا به دلیل عدم دست رسی به****[آب](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A2%D8%A8" \o "آب" \t "_blank) برای شستن****[لباس](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%84%D8%A8%D8%A7%D8%B3" \o "لباس" \t "_blank)، نتواند در لباس****[طاهر](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B7%D8%A7%D9%87%D8%B1" \o "طاهر (پیوندی وجود ندارد)) نماز بخواند، یا در مثال اکرام علما، قدرت اکرام تمام آنها را نداشته باشد،****[مشهور اصولیون](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B4%D9%87%D9%88%D8%B1_%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84%DB%8C%D9%88%D9%86" \o "مشهور اصولیون (پیوندی وجود ندارد)) بر این اعتقادند که وی باید همان مقدار ممکن و میسور را انجام دهد؛ یعنی در مثال‌های بالا، مکلف باید بدون سوره یا نشسته یا در لباس****[نجس](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%D8%AC%D8%B3" \o "نجس" \t "_blank)، نماز بخواند و یا علما را به هر تعداد که از او عهده بر می‌آید، احترام نماید.** [↑](#footnote-ref-12)
13. **التوبة : 128 لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزيزٌ عَلَيْهِ ما عَنِتُّمْ حَريصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنينَ رَؤُفٌ رَحيمٌ**

    **يوسف : 103 وَ ما أَكْثَرُ النَّاسِ وَ لَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنينَ**

    **النحل : 37 إِنْ تَحْرِصْ عَلى‏ هُداهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لا يَهْدي مَنْ يُضِلُّ وَ ما لَهُمْ مِنْ ناصِرينَ**

    **به يقين، رسولى از خود شما بسويتان آمد كه رنجهاى شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدايت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است! (128)**

    **و بيشتر مردم، هر چند اصرار داشته باشى، ايمان نمى‏آورند! (103)**

    **هر قدر بر هدايت آنها حريص باشى، (سودى ندارد؛ چرا) كه خداوند كسى را كه گمراه ساخت، هدايت نمى‏كند؛ و آنها ياورانى نخواهند داشت! (37)** [↑](#footnote-ref-13)
14. ### [قرآن کریم](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86_%DA%A9%D8%B1%DB%8C%D9%85" \o "قرآن کریم" \t "_blank) در بیان مراحل هدایت، از مقطعی یاد می‌کند که حقیقت در آن، به‌طور کامل و روشن بر مردم آشکار شده و دیگر جای هیچ‌گونه [شبهه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%A8%D9%87%D9%87" \o "شبهه" \t "_blank) و پرسشی باقی نمانده و هرگونه [اعتراضی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B9%D8%AA%D8%B1%D8%A7%D8%B6" \o "اعتراض" \t "_blank) نامعقول و برخاسته از عناد و [لجاجت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%84%D8%AC%D8%A7%D8%AC%D8%AA" \o "لجاجت" \t "_blank) است. اندیشه‌وران [مسلمان](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B3%D9%84%D9%85%D8%A7%D9%86" \o "مسلمان" \t "_blank) بر این مقطع نام «اتمام‌حجّت» نهاده‌اند.

    **[۲ - کاربرد اتمام حجت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AA%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AD%D8%AC%D8%AA" \l "%DA%A9%D8%A7%D8%B1%D8%A8%D8%B1%D8%AF%20%D8%A7%D8%AA%D9%85%D8%A7%D9%85%20%D8%AD%D8%AC%D8%AA)این اصطلاح در حوزه‌های****[کلام](https://fa.wikifeqh.ir/%DA%A9%D9%84%D8%A7%D9%85" \o "کلام" \t "_blank)،****[اصول فقه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B5%D9%88%D9%84_%D9%81%D9%82%D9%87" \o "اصول فقه" \t "_blank) و فقه سیاسی با روی‌کردهای گوناگون کاربرد دارد.**

    **[۳ - اتمام حجت در قرآن](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AA%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%AD%D8%AC%D8%AA" \l "%D8%A7%D8%AA%D9%85%D8%A7%D9%85%20%D8%AD%D8%AC%D8%AA%20%D8%AF%D8%B1%20%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86)این تعبیر در قرآن به صراحت نیامده; امّا دسته‌های متعدّدی از**[**آیات**](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA)**بر آن اشاره دارند:  
    آیات نافی هرگونه احتجاج و بهانه از سوی مردم پس از آشکاری راه****[هدایت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%87%D8%AF%D8%A7%DB%8C%D8%AA" \o "هدایت" \t "_blank)، بی‌فایدگی عذرآوری‌هایشان، آیات بلاغ و بیان [که به روشنی کامل پیام**[**خداوند**](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AE%D8%AF%D8%A7%D9%88%D9%86%D8%AF)**اشاره دارند و آیات بیان‌گر****[عدالت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D8%AF%D8%A7%D9%84%D8%AA" \o "عدالت" \t "_blank) خداوند در****[عذاب](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D8%B0%D8%A7%D8%A8" \o "عذاب" \t "_blank) گمراهان، آیات مشتمل بر****[تهدیدهای](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%D9%87%D8%AF%DB%8C%D8%AF" \o "تهدید" \t "_blank)**[**پیامبران**](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%85%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%86)**، برخی تهدیدهای سیاسی و اجتماعی از سوی حاکمان الهی به دشمنان و مخالفان****[کافر](https://fa.wikifeqh.ir/%DA%A9%D8%A7%D9%81%D8%B1" \o "کافر" \t "_blank) و****[مشرک](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B4%D8%B1%DA%A9" \o "مشرک" \t "_blank)و آیات پرهیز دهنده پیامبر از هرگونه گرایش به خواسته‌های غیر الهی مردم و روی‌گردانی از فرمان‌های خداوند پس از آشکاری کامل آن‌ها بر حضرت**  [↑](#footnote-ref-14)
15. **فصلت : 17 وَ أَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْناهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمى‏ عَلَى الْهُدى‏ فَأَخَذَتْهُمْ صاعِقَةُ الْعَذابِ الْهُونِ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ**

    **النحل : 104 إِنَّ الَّذينَ لا يُؤْمِنُونَ بِآياتِ اللَّهِ لا يَهْديهِمُ اللَّهُ وَ لَهُمْ عَذابٌ أَليمٌ**

    **النساء : 115 وَ مَنْ يُشاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ ما تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدى‏ وَ يَتَّبِعْ غَيْرَ سَبيلِ الْمُؤْمِنينَ نُوَلِّهِ ما تَوَلَّى وَ نُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَ ساءَتْ مَصيراً**

    **محمد : 32 إِنَّ الَّذينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبيلِ اللَّهِ وَ شَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ ما تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدى‏ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئاً وَ سَيُحْبِطُ أَعْمالَهُمْ**

    **الروم : 29 بَلِ اتَّبَعَ الَّذينَ ظَلَمُوا أَهْواءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَ ما لَهُمْ مِنْ ناصِرينَ**  [↑](#footnote-ref-15)